فهرست

[اصول / حجیت خبر واحد 2](#_Toc188517819)

[پیشگفتار 2](#_Toc188517820)

[تقریر دوم: سیره متشرعه 2](#_Toc188517821)

[تقسیمات سیره عقلا 3](#_Toc188517822)

[سیره عقلا عامه و خاصه 3](#_Toc188517823)

[عامه و خاصه به تفاوت زمان 3](#_Toc188517824)

[عامه و خاصه از حیث فضا 4](#_Toc188517825)

[بازنگری در تنظیم بحث 4](#_Toc188517826)

[تقریر سیره عقلا 4](#_Toc188517827)

[تقریر اول 4](#_Toc188517828)

[تقریر دوم 4](#_Toc188517829)

[خلاصه بحث 6](#_Toc188517830)

[فتحصل مما ذکرنا 7](#_Toc188517831)

# موضوع: اصول / حجیت خبر واحد

# پیشگفتار

بحث خبر واحد از اهم مباحث اصول است که از صدر اول و از قدما هم به آن پرداخته شده است و همچنان یک بحث زنده است.

برای حجیت خبر واحد ابتدا آیات قرآن کریم را بحث کردیم حدود هشت آیه، بعد به روایات پرداختیم با طوایفی که از روایات بود سپس به ادله لبیه با تأکید بر سیره پرداختیم.

۱- آیات

۲- روایات

۳- سیره؛ ادله لبیه

در سیره هم دو تقریر بود؛ تقریر اول را بحث کردیم ضمن آن به موضوع خیلی کلانی هم پرداختیم که ملاحظه کردید. نهایتاً در سیره عقلاییه در اینجا یک تردید برای ما باقی ماند.

# تقریر دوم: سیره متشرعه

در سیره متشرعه دو بیان وجود دارد؛

۱- یک بیان که نزدیک‌تر به سیره عقلا است این است که بگوییم عقلا در مقام روابط موالی و عبید این‌جور رفتار می‌کنند که این را الان نمی‌خواهیم بپردازیم.

۲- اما بیان دوم که اینجا مدنظر هست این است که سیره متشرعه به معنای خاص است، …

سؤال: بیان اول سیره متشرعه می‌شد؟ عقلا هم بما متدینون؟

جواب: یعنی عقلا وقتی وارد فضای تدین بیاید، سبک آن این‌گونه می‌شود، یک بحث اساسی باید در سیره داشته باشیم که جای خود باید بحث کنیم، یک وقت است که عقلا یک سیره عامه در روابطشان با یکدیگر دارند، این‌جور اقدام می‌کنند، ید را اماره مالکیت می‌دانند، قول ذوالید را حجت می‌دانند.

یک وقت سیره عقلا، عامه نیست، سیره عقلاییه است، منتهی همین عقلا وقتی در فضای تدین و شرع بیاید، با قطع نظر از اینکه از شرع بگیرد، همان حس عقلایی در این فضا، این سبک را ایجاد می‌کند. این هم یک بحث مهمی است که به شکل جسته گریخته در کلمات آمده است اما مستقلاً بحث نشده است. ما هم در سیره این را بحث نکردیم، این از چیزهایی است که باید بحث شود.

منشأ این حس عقلایی است؛ منتهی حس عقلایی گاهی می‌گوید من به ظواهر عمل می‌کنم، کار به مولا و عبد و پایین و بالا و اینجا و آنجا ندارد هر عاقلی در همه جا همین کار را می‌کند.

گاهی عقلا بما هم عقلا ولی در فضاهای متفاوت سبک‌های متفاوت دارند و از جمله مثل اینکه عقلا در پانصد سال قبل یک رفتاری را متناسب با زمان خود انجام می‌دادند، امروز متناسب زمان، عقلا بما هم عقلا این‌جور رفتار می‌کنند.

فرض بگیرید در حکومت، چه کسی حاکم باشد؟ انتخاب نبوده است و الان انتخاب است. سیره عقلا هم بما عقلا در این زمان بر انتخاب است. کار به شرع نداریم. چطور در طول زمان سیره‌های عقلاییه متغیر است؛ یک تفاوت سیره‌های عقلا هم در زمان واحد ولی در اجواء متفاوت متصور است. اگر عقلا تاجر شوند همان حس عقلایی آن‌ها می‌گوید در تجارت این‌جور سبکی دارند. فرض بگیریم عقلا در فضای عبید و موالی بیایند، یا حتی خاص‌تر، در فضای دینی و شرعی، همان حس عقلا می‌گوید این‌جوری. عقلا وقتی در اجواء شرع قرار بگیرند در این فضا قرار بگیرند، می‌گوید این‌جور شده است، کار عقلایی آن‌ها این است.

یک نوع این است که سیره عقلا بما هم عقلا در جو عبید و موالی این است، بعد به شرع که می‌خواهیم نسبت بدهیم، باید بگوییم این جو شرعی همان عبید و موالی عرفی است. گاهی از این اخص هم هست؛ می‌گوید وقتی عقلا در فضای شرع قرار می‌گیرند؛ کار به عبید و موالی هم ندارد، در فضای شرع قرار می‌گیرند، اینجا حق الطاعه جاری می‌کنند.

در فضای قرآن قرار می‌گیرد، این منطق قرآن را که اطلاع پیدا می‌کند می‌گوید من بما أنّی عاقلٌ می‌گویم در ظواهر قرآن این تفاوت باید با بقیه ظواهر قائل شد. در ظواهر قرآن ما به یک تفاوت‌هایی معتقد هستیم از جمله سهولت استعمال لفظ در اکثر از معنا، این باب را باز می‌دانیم با قرینه‌ای می‌گوییم این لفظ در اکثر از معنا استفاده شده است یا آن دقائقی که در کلمات روایی و عرفی به کار می‌رود مدنظر نیست ولی در قرآن می‌گوید آن دقائق هم ظهور است. باز هم عقلا است منتهی می‌گوید در این جو خاص من این سبک ویژه را دارم.

این یک بحث است که اینجا ممکن است ادعا بشود، درست است البته من هم تبیین کردم، این در واقع یک تقریری از سیره عقلا است منتهی در اجواء خاص. منتهی این را آنجا بحث نکردیم.

# تقسیمات سیره عقلا

## سیره عقلا عامه و خاصه

آن بحث خاص این است که سیره عقلا گاهی عامه است و گاهی خاصه

### عامه و خاصه به تفاوت زمان

عامه و خاصه گاهی به تفاوت و عمود زمان است، گاهی سیره عقلا عامه در عمود زمان است مثلاً حجیت ظواهر، گاهی خاصه است؛ در این زمان و آن زمان، نوع انتخاب یا نوع پوشش و از این قبیل چیزها که روی حس عقلایی هم هست، اهواء و شهوات، گاهی عامه و خاصه

### عامه و خاصه از حیث فضا

گاهی عامه و خاصه از حیث فضا و اجواء حتی در یک زمان است، این فضا و اجواء الی ماشاءالله قابل تصور است، سیره عقلاییه که در جامعه زرگرها پیدا می‌شود یا سیره عقلایی که در عبید و موالی است، یا سیره عقلایی که در فضای شرع است یا سیره عقلایی که در فضای یک متن خاص شرع است یا قلمروهای خاصی است.

عقلا وقتی یک شرع را می‌بیند، یا دماء و نفوس را با چیز دیگر می‌بیند، همان عاقل با این اطلاعات، نگاه و سبک او متفاوت می‌شود. این بر آمده از حس عقلاییه است منتهی تخصص به این زمان پیدا کرده است یا آن زمان، یا به این اجواء دون آن اجواء. این یک بحث مهمی است که در سیره باید بررسی بکنیم.

یکی از چیزهایی که می‌تواند برای سیره موضوع ساز باشد؛ تشرع و عدم تشرع است، کار به حق و باطل ندارد، می‌گوید اگر چنین چیزی باشد حس عقلایی من می‌گوید که این‌جور رفتار کن.

# بازنگری در تنظیم بحث

ممکن است در اینجا (قبل از سیره متشرعه در این بیان اول را می‌گوییم؛ بیان اول چیزی بین سیره عقلا و متشرعه است و با دقت این سیره عقلا است)

# تقریر سیره عقلا

## تقریر اول

بحث را این‌جور بازسازی می‌کنم؛ می‌گویم سیره عقلا دو تقریر دارد؛ یک تقریر اول که بحث کردیم و آن این بود که عقلا در همه روابط اجتماعی، به خبر ثقه اعتماد می‌کنند کما اینکه آقای خویی به این اصرار داشت. چه شرع، غیر شرع، چه موالی و عبید، چه روابط عرفی در بازار و تجارت. حضرت امام هم این را خیلی تأکید دارند.

## تقریر دوم

ما به خاطر اشکال رادعیت مقداری تردید کردیم، تقریر دوم همان سیره عقلا است، منتهی سیره عقلا خاصه به اجواء شریعت است. با دو بیانی که گفته شده؛ یا سیره خاصه مربوط به موالی و عبید که در شرع هم می‌آید، یا حتی در اجواء خاص شریعت، عقلا می‌گویند در این اجواء قرار بگیریم این‌جور رفتار می‌کنیم. به ثقه اعتماد می‌کنم. از باب اینکه موالی و عبید است یا شرع است یا از باب اینکه ؛

وجه اول این است که یک سیره خاصه عقلا است؛ در موالی و عبید شامل شرع هم می‌شود.

وجه دوم این است که سیره خاصه‌ای در بافت همین شریعت است.

وجه سوم این است که سیره‌ای دارد؛ بعضی در بحث سیره کلاً این را گفته‌اند، مبنی بر اینکه گردش اطلاعات اطمینان‌آور آسان نیست. در جایی که گردش اطلاعات و تبادل معلومات آسان نیست، آنجا به خبر ثقه عمل می‌کند ولو از باب تسهیل و مقید به این. تقریر اول مطلق بود، به خبر اعتماد می‌کند ولو اینکه می‌تواند علم پیدا کند باز اعتماد می‌کند، به ظن اعتماد می‌کند.

قرارداد نگذاشته‌اند، می‌گوییم فرض این است که کسی این ادعا بکند و این ادعا یک مقدار اقرب از تقریرهای قبل است؛ بگوید عقلا در شرایطی که تبادلات معلومات و گردش اطلاعات به شکل علمی و اطمینانی روان و آسان نیست، آنجا تسهیلاً به خبر ثقه اعتماد می‌کنند.

می‌بیند گردش اطلاعات آزاد نیست، حس عقلایی و طبع عقلایی می‌گوید به این نوع ظن خاص، نه مطلق ظنون، یک ظنونی مثل خبر ثقه که ریشه‌هایی دارد می‌گوید باز‌تر به آن عمل می‌کنم ولو اطمینان ایجاد نکند، اطمینان نوعی و شخصی هم نیاورد. باز به آن اعتماد می‌کنم.

بنابراین آنچه ما تا به حال از سیره عقلاییه می‌گفتیم تقریر اول این بود که سیره عقلاییه در روابط مردم عام است. اما تقریر دوم باز سیره عقلاییه است اما سیره عقلاییه خاصه.

این خاصه را گفتیم حداقل (فروض دیگر هم متصور است) این سه بیان را دارد؛

۱- سیره عقلاییه خاصه به اجواء روابط عبید و موالی، با فلسفه احتجاج و از این قبیل

یا اخص از آن به اجواء شرع، دین،

یا اینکه اختصاص به اجوائی دارد که با قبلی‌ها من وجه است، آن جاهایی که در روابط افراد به خصوص در روابط شرعی و تعاملات شرعی، گردش اطلاعات اطمینان‌آور و راه‌های اطمینان‌آور به سهولت در دسترس نیست، اینجا سیره عقلا این است که که باز نیست که هر ظن و هر چیزی را باز نمی‌گذارد. می‌گوید این اجواء خبر ثقه که گاهی هم اطمینان‌آور است و اگر هم اطمینان‌آور نباشد و ظنی باشد می‌گوید من به آن اعتماد می‌کنم و استناد می‌کنم. این بیان سوم را خیلی بعید نمی‌دانیم.

در بحث خبر نه به عنوان حکمت، عقلا می‌بینند یک شرایطی پدید آمده است از یک طرف نیاز به اینها هست و از یک طرف هم اینها نمی‌توانند اطمینان بیاورند لذا می‌گوید در اینجا خبر ثقه ولو اطمینان نوعی هم نیاورد، را معتبر می‌دانم. عقلا هرگاه در این شرایط قرار بگیرند و این فضا برای آن‌ها تثبیت بشود این است. انسداد نیست.

می‌گوییم بعید نیست که گفته شود سیره عقلا در جایی که گردش معلومات به شکل قطع و اطمینان روان نیست، نه اینکه میسر نیست، بلکه روان نیست، استقرار بر اعتماد بر خبر ثقه پیدا کرده است، این تقریر دوم است که سه بیان دارد و این بیان سوم آن است و این البته بعید نیست.

این تقریر دوم به خصوص با این بیان دوم که سیره عقلا خاصه است، به ویژه با این بیان سوم ممکن است کسی بگوید از آن‌هایی است که مثل حجیت ظواهر است یعنی از استحکام بالایی برخوردار است که آیات و روایات نمی‌تواند رادع باشد، یعنی مخصص می‌شود ردع نمی‌خواهد.

اینجا یک مقداری حل آن مشکل دوم قوی‌تر است و دلیل بر حجیت می‌تواند باشد. یعنی یک جور عسر و حرج نوعی عام شخصی نیست، یک نوع عسر و حرج عمومی می‌بیند می‌گوید به خاطر این باید اعتماد بکنیم و بدون این نمی‌شود. به خصوص وقتی که در نظر می‌گیرد دین برای آن زمان معصوم و مشافهه نیست. این دین در اقصاء مختلف انتشار پیدا می‌کند و همه نیاز دارند و در ازمنه لاحقه انتشار پیدا می‌کند الی قیام یوم القیامة همه نیاز دارند، تا قبل از ظهور، موقع ظهور نمی‌دانیم چه می‌شود.

اینها را وقتی ببیند عقل می‌گوید هر چه به دست من بدهید با این اجواء من به عنوان عاقل می‌گویم باید به خبر ثقه اعتماد بکنید و این استحکام به‌گونه‌ای است که معطل این نمی‌ماند که آیا رادعی هست یا نیست، شبیه حجیت ظواهر می‌شود حالت منتظره‌ای ندارد.

بیان اول تقریر دوم این بود که سیره عقلا برای اجواء موالی و عبید است.

بیان دوم در اجواء خاص ما و مولای شرعی و دین است.

بیان سوم این است که این سیره برای آن اجوائی است که می‌خواهد یک آثاری را مترتب بکند و اگر بخواهد به قطع و اطمینان عمل کند دچار عسر و حرج نوعی می‌شود و الا اگر یک زمانی ایشان رفت، مثلاً هوش مصنوعی آمد در این مسائل مختلف تولید اعتماد می‌کند آنجا معلوم است که سیره‌ای نیست که بگوید که به خبر هم اعتماد کن. با استفاده از هوش مصنوعی به اطمینان می‌رسد و دیگر آنجا سیره عقلا نیست. ولی جایی که علی الاصول دست بسته است و آسان و روان نیست می‌گوید اعتماد کن.

سؤال: در زمان اهل‌بیت علیهم‌السلام با اینکه حضرت در دسترس بودند اما سیره این نبود که بروند از حضرت سؤال بکنند،

جواب: برای اینکه این در پس ذهن اوست که اگر فرض گرفته شود که ۵۰۰ میلیون جمعیت همه بروند در خانه حضرت، امکان پاسخگویی نیست بخواهیم همه جا تواتر درست بکنیم، معلوم است که این راحت نمی‌شود.

بخواهیم بگوییم همه خبر ثقه اطمینانی، حتی اطمینان نوعی، این را باید بپذیریم که چیز روانی نیست.

با این قیودی که گفتیم کسی منتظر این که شارع چه می‌گوید نمی‌ماند، می‌گوید این مثل حجیت ظواهر است که کسی منتظر نمی‌ماند که شارع چه می‌گوید، در کلام شارع هم آن را اجرا می‌کند، غیر از این اگر کسی می‌خواهد، باید خیلی واضح جلوی این را بگیرد که اینجا می‌گفتیم رادع خاص الخاص می‌خواهد.

# خلاصه بحث

تقریر اول سیره عقلا: سیره عامه عقلا بر حجیت خبر ثقه است

تقریر دوم؛ سیره عقلا در شرایط خاص بود که سه بیان دارد؛

۱- موالی و عبید

۲- شرع

۳- اجوایی که نیاز وجود دارد و سهولت راحتی وجود ندارد، مراجعه به قطع و اطمینان،

این بیان سوم، بیان قوی است و آن اشکال سابق هم از این دفع می‌شود و قابل قبول است. به این شکل در فرمایش آقای خویی و امام نیامده است، ولی به نظرم در عمق ارتکازشان همین است.

یعنی اگر می‌گفتیم در عصر هوش مصنوعی هستیم و با این ابزار آدم‌ها به راحتی نسبی می‌توانند به اطمینان برسند، اینجا باز اعتماد می‌کرد.

البته در موضوعات این نیست و ادله دیگر دارد، در موضوعات جای یک سؤال است، اگر با یک اشاره می‌فهمد اینجا این خون در این ظرف افتاده است یا آن، با یک اشاره می‌فهمد که خون اینجا هست، اینجا این کار را نکند؟

# فتحصل مما ذکرنا

سیره عقلا یک تقریر دارد؛ السیرة العقلاییة العامه که ادعای بعضی آقایان است، این همان مباحث قبلی ما هست و آخر هم به یک چالشی برخوردیم.

تقریر دوم سیره عقلاییه این است که سیره عقلاییه در فضای شرع یا در فضای ویژه‌ای که سه بیان برای آن گفتیم، عقلا سیره دارند.

تقریر دوم را نسبتاً قوی می‌دانیم و برخی از اشکالات جدی تقریر قبلی را به آن وارد نمی‌دانیم.